

روابط آلمان و اسرائیل در دوره صدارت آنگلا مرکل کلید فهم سیاست خارجی آلمان در خاورمیانه

حسن ملائکه^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۴

چکیده

آلمان با سه کشور روابط استراتژیک دارد به طوری که فهم تحولات سیاست خارجی این کشور بعد از جنگ جهانی دوم منوط به دانستن مرادوات آن با این سه کشور است: ایالات متحده آمریکا، فرانسه و اسرائیل. عوامل اصلی تاثیر گذار بر تعیین سیاست خارجی آلمان در مقابل اسرائیل و تحولات منطقه خاورمیانه علاوه بر منافع این کشور مانند کاهش و کنترل آسیبه‌های امنیتی که از این منطقه می‌تواند برای آلمان بوجود بیاید مانند تروریسم و همچنین داشتن روابط مطمئن و خوب با کشورهای منطقه برای برآوردن نیازهای انرژی آلمان، تحت تاثیر مسئولیت آلمان در قبال اقدامات و اعمال انجام گرفته در مورد یهودیان در جنگ جهانی دوم و آنچه که هولوکاست گفته می‌شود قرار دارد، زیرا این کشور خود را در برابر یهودیان مسئول و متعهد حس می‌کند. درکنار این دو عامل اصلی

۱. دکتری علوم سیاسی از دانشگاه برلین و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد شهرضا hmlaekhe@gmail.com

عواملی دیگر نیز نقش دارند که تاثیر آنها در دوره های زمانی مختلف متفاوت است مانند تعلقات حزبی سیاستمداران حاکم، جهت گیری ها و گرایش های سیاسی شخصی سیاستمداران آلمانی و اینکه چه کسی مسئول پرونده روابط با اسرائیل است. این مقاله ضمن بررسی روابط همه جانبه آلمان و اسرائیل، توجه ویژه ای به گسترش همکاری های دو دولت در زمان صدارت آنگلا دارد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی آلمان، اسرائیل، خاورمیانه، همکاری های استراتژیک

مقدمه

آلمان و اسرائیل دارای روابط سیاسی «ویژه» هستند. این روابط خاص که از پایان جنگ جهانی دوم به تدریج اما با قوت گسترش یافته است با صدراعظمی آنگلا مرکل از سال ۲۰۰۵ تشدید و تقویت شده است. وی نخستین سیاستمدار آلمانی است که امنیت اسرائیل را بخشی از مصلحت دولت آلمان به شمار آورد. مقامات پیشین با وجود داشتن روابط حسنه با اسرائیل هیچ کدام به این صراحت و با این کلمات از روابط دو کشور یاد نکردند. ابقای وی برای سومین دوره به عنوان صدر اعظم در انتخابات سپتامبر ۲۰۱۳؛ مسأله بررسی روابط آلمان و اسرائیل را به یک اولویت پژوهشی مبدل کرده است. پرسش اصلی این مقاله آن است که عوامل مهم و تعیین کننده روابط جمهوری فدرال آلمان و اسرائیل کدامند؟ به چه عللی روابط این دو کشور از پایان جنگ دوم جهانی همواره رو به گسترش بوده است؟ فرضیه نگارنده این است که دو عامل در برقراری و توسعه این روابط نقش دارند: یکی تاثیر حوادث و وقایع تاریخی و دیگری وجود منافع مشترک استراتژیک دو کشور. تاثیر عامل تاریخی را می توان در اعمال انجام گرفته در دوران حکومت هیتلر (۱۹۳۳-۱۹۴۵) در مورد یهودیان و تلاش حکومت های آلمان در دوران بعد

از جنگ جهانی دوم در جهت جبران آن اعمال ملاحظه کرد. علاوه بر این در دوران جنگ سرد و به ویژه در دوران حکومت کنراد آدنائر (۱۹۶۳-۱۹۴۹)؛ به دلیل سیاست غربگرایانه وی آلمان غربی و اسرائیل هردو در اردوگاه غرب به رهبری آمریکا قرار داشتند؛ از این رو نزدیکی دو کشور دلایل استراتژیک نیز داشت. اما آنچه که به ویژه در سالهای اخیر بر اهمیت استراتژیک روابط دو کشور افزوده، گستره همکاری های این دو کشور در زمینه های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است، به طوری که دو کشور یاد شده بیش از پیش به هم وابسته شده اند. در این مقاله سعی می شود با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، مبانی روابط آلمان و اسرائیل و نیز حدود و گستره آن در ابعاد گفته شده مورد پژوهش قرار گیرد. از آنجا که این روابط در دوره صدارت آنگلا مرکل توسعه و گسترش یافته است، تمرکز بیشتری بر این دوره خواهد شد. این تحقیق به دلیل آنکه آلمان از قدرتهای اصلی و محوری اتحادیه اروپا محسوب می شود که خواهان ایفای مسئولیتهای بین المللی است و همچنین نقش اسرائیل در منطقه خاورمیانه مهم شمرده می شود.

ابتدا به عنوان طرح مساله؛ جایگاه روابط دو کشور در چارچوب کلی سیاست خارجی آلمان بررسی می شود و سپس به تاثیر علت تاریخی پرداخته می شود. در ادامه روابط متنوع دو کشور در ابعاد فرهنگی؛ اقتصادی و نظامی در متن سیاست خاورمیانه ای آلمان در دوران صدر اعظمی مرکل قرار داده می شود تا گستره و همچنین دلیل توسعه آن بهتر درک شود. در نهایت ضمن تشریح جایگاه اسرائیل نزد افکار عمومی مردم آلمان؛ به نقش آن در الزام سیاستمداران این کشور در بازنگری روابط با اسرائیل پرداخته می شود.

۱- طرح مساله

آلمان با سه کشور روابط استراتژیک دارد به طوری که فهم سیاست خارجی این کشور بعد از جنگ جهانی دوم و درک خطوط اصلی نوسانات آن منوط به دانستن مراودات آن با این سه کشور است: ایالات متحده آمریکا، فرانسه و اسرائیل. ایالات متحده آمریکا یکی از دو ابر قدرت دنیا بعد از جنگ دوم جهانی و یکی از کشورهای فاتح و تصرف کننده آلمان بود و اعطای کمک های مالی و اقتصادی فراوان به حکومت نوپای جمهوری فدرال نقش تعیین کننده ای در تداوم حیات اقتصادی و امنیتی این کشور در جهان بعد از جنگ و در رقابت با شوروی و اردوگاه شرق داشت. در این چارچوب داشتن روابطی استراتژیک میان آلمان و آمریکا قابل فهم است. روابط استراتژیک با فرانسه در متن رویدادهای تاریخی قابل درک است. آلمانها در طول تاریخشان حتی خیلی پیش از سال ۱۸۷۱ همواره در رقابت و کشمکش با فرانسویان بوده اند و همین رقابت ها آتش چندین جنگ را میان دو کشور شعله ور ساخته است که سهمگین ترین آنها در جریان دو جنگ جهانی و تصرف پاریس توسط نیروهای آلمان نازی در جنگ عالمگیر دوم بود. آلمان پس جنگ که از مصیبت های گذشته درس گرفته بود و دریافته بود که تسلط بر اروپا از راه نظامی غیرممکن است درصدد جبران مصایب گذشته و آشتی با حریفان پیشین برآمد و در این راستا پرونده ویژه ای برای فرانسه در روابط خارجی گشود و در صدد ایجاد روابط دوستانه و نزدیک با این کشور بر آمد. چنانکه دو کشور به عنوان دو دولت اصلی در شکل گیری و تداوم اتحادیه اروپا نقشی تعیین کننده داشته اند. اما روابط استراتژیک با اسرائیل چرا؟ فهم چرایی برقراری روابط ویژه با اسرائیل نیز در درک تاریخ معاصر آلمان و حوادث جنگ جهانی دوم ریشه دارد. جمهوری فدرال آلمان خود را در برابر آنچه که رژیم هیتلر

در جریان جنگ انجام داد و در این مورد آنچه که «هولوکاست» خوانده می شود مسئول و متعهد می داند و درصدد جبران و ادای غرامت برآمده است. در کنار این عامل تاریخی، نزاع اعراب و اسرائیل در منطقه و منافعی که آلمان در خاورمیانه برای خود تعریف می کند مساله و نکته مهمی است که روابط با اسرائیل را برای آلمان مهم و ویژه ساخته است. علاوه بر این دو مساله اصلی و تعیین کننده در روابط دو کشور، عوامل فرعی دیگری نیز نقش دارند که تاثیر آنها در دوره های زمانی مختلف متفاوت است: مانند تعلقات حزبی سیاستمداران حاکم، جهت گیریها و گرایش های سیاسی شخصی سیاستمداران و اینکه چه کسی مسئول پرونده رابطه با اسرائیل است. همچنین اینکه تا چه حد این سیاستمداران خود را متعهد به پیشبرد روند صلح در منطقه می سازند، می تواند بر روابط اثر بگذارد. واضح است که علاوه بر برلین، تاثیر بروکسل (اتحادیه اروپا)، تحولات در خود منطقه و نیز روابط آلمان و آمریکا و سیاست آمریکا در منطقه بر برآیند نهائی سیاست آلمان موثر هستند.

۲- تاثیر عامل تاریخ بر روابط دو کشور

۱-۲ جبران اعمال دوران حکومت ناسیونال سوسیالیست

توافق در باره جبران اعمال رژیم هیتلر حتی پیش از برقراری رسمی روابط میان دو کشور در سال ۱۹۶۵ انجام گرفت. با عقد توافقنامه لوکزامبورگ^۱ در سال ۱۹۵۲ آلمان خود را ملزم به پرداخت غرامت کرد. بر همین اساس حکومت های مختلف آلمان مبالغ هنگفتی را برای آنچه که «غرامت»^۱ گفته می شود به بازماندگان یهودی پرداخت کرده اند. بنا به گزارش وزارت مالیه، آلمان از زمان پایان جنگ جهانی دوم تاکنون مبلغ ۶۸ میلیارد یورو غرامت به اشکال گوناگون

^۱ "Wiedergutmachungsleistungen"

به بازماندگان اعمال رژیم نازی که در اسرائیل زندگی می‌کنند پرداخت کرده است. (گزارش وزارت مالیه فدرال، ۲۰۱۲) بنابر اطلاعات وزارت خارجه آلمان این کشور هر ساله مبلغ ۳۱۰ میلیون یورو مطابق با «قانون پرداخت غرامت فدرال»^۱ به عنوان جبران حقوق بازنشستگی به یهودیان آسیب دیده از جنگ که بسیاری از آنان هم اکنون در اسرائیل زندگی می‌کنند پرداخت می‌کند. علاوه بر این مبالغ هنگفتی به عنوان بیمه های اجتماعی و جبران سایر خسارات پرداخت می‌شود. از سال ۲۰۰۰ و با تاسیس بنیاد «یادآوری، مسئولیت و آینده»^۲ نیز هر ساله مبالغی از طرف این بنیاد به کسانی که در زمان حکومت ناسیونال سوسیالیست به کار اجباری واداشته شده بودند پرداخت می‌شود. منافع اسرائیل در موضوع غرامت بوسیله سازمانی به نام «کنفرانس شکایات یهودیان» نمایندگی می‌شود. از طریق این سازمان است که مبالغی یکباره و نیز مبالغی ماهانه به افراد واجد شرایط پرداخت می‌شود. علاوه بر پرداخت های فردی، این سازمان از جمله برای هزینه های پزشکی و خدمات بهداشتی برای سالمندان یهودی مثلا در سال ۲۰۱۰ مبلغ ۵۵ میلیون، در سال ۲۰۱۱ مبلغ ۱۱۰ میلیون، ۲۰۱۲ مبلغ ۱۲۶،۷ در سال ۲۰۱۳ بالغ بر ۱۳۶،۷، و در سال ۲۰۱۴ مبلغ ۱۴۰ میلیون یورو از دولت آلمان دریافت کرده و در آینده نیز دریافت خواهد کرد (Auswaertigesamt, 2014). اخیرا در توافقی که وزارت مالیه با این سازمان رسیده مقرر شد که آلمان کمک های خود را به یهودیان افزایش دهد. این کمکها که از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ انجام خواهد شد بالغ بر ۸۰۰ میلیون یورو خواهد بود. (Spiegel, (A) 2013)

1 Bundesentschädigungsgesetz - BEG

2 Stiftung "Erinnerung, Verantwortung und Zukunft"

موضوع این غرامات و به طور کلی این بحث که آلمان دقیقاً چه تعهداتی را می بایست از بابت مسئولیت تاریخی در قبال اعمال انجام گرفته در زمان رژیم هیتلر در مورد یهودیان قبول کند، در میان افکار عمومی این کشور و حتی محافل سیاسی آلمان هنوز کاملاً روشن نشده است.ⁱⁱ در دوران بعد از جنگ دوم جهانی؛ آلمان غربی خود را وارث دولت پیشین آلمان می دانست و از این رو مسئولیت اعمال آن را به عهده گرفت.ⁱⁱⁱ البته نباید فراموش کرد که بعد از جنگ؛ آلمان غربی به تصرف نیروهای متفقین درآمد و کشوری اشغال شده و مجبور به پیروی از خواسته های متفقین به ویژه آمریکا به عنوان ابرقدرت بود. از این رو قابل تصور است که آنها این کشور را در پذیرش موضوع غرامت تحت فشار گذاشته باشند. دلیل دیگری که می توان اشاره کرد به تلاش برای تغییر تصویر آلمان نزد افکار عمومی جهان مربوط می شود. تصویر آلمان با اعمال رژیم هیتلر و جنگ افروزی آن پیوند خورده بود؛ لذا تصمیم به پرداخت غرامت شاید می توانست در تغییر این تصویر و نمایاندن اینکه آلمان بعد از جنگ کشور نوینی شده است کمک کند. البته منفعت بزرگی که از این جهت نصیب اسرائیل شد این بود که این کمک های مالی در خدمت استحکام دولت نوین یهود قرار گرفت.

۲-۲ سیاست خارجی آلمان در قبال اسرائیل در زمان مرکل

با به قدرت رسیدن ائتلاف متشکل از اتحادیه دمکرات مسیحی و سوسیال مسیحی (CDU/CSU) با حزب سوسیال دمکرات (SPD) در سال ۲۰۰۵ و با صدر اعظمی آنگلا مرکل، برسیاست آلمان مبنی بر تضمین موجودیت اسرائیل و همچنین ایجاد یک دولت مستقل فلسطینی تاکید شد. در این دوران برخلاف حکومت قبلی یعنی حکومت ائتلافی سوسیال دمکرات (SPD) و سبزها (Bündnis 90/Die Grünen)

که مسئول پرونده اعراب و اسرائیل وزیر خارجه وقت یوشکا فیشر بود، خود صدر اعظم مسئولیت آن را به عهده گرفت و وزیر امور خارجه فرانک والتر اشتاین مایر در این قضیه نقشی حاشیه ای داشت. مرکل که متولد آلمان شرقی سابق است بر خلاف سیاست آن دولت در برابر اسرائیل که اساساً آن را به رسمیت نمی شناخت، همواره بر مبارزه با یهود ستیزی؛ تضمین موجودیت و امنیت اسرائیل و برقراری رابطه ای نزدیک با این کشور تاکید داشته است. وی این آرزوی مسئولان اسرائیلی را برای نامیدن و مخاطب ساختنش به عنوان دولتی یهودی برآورده ساخت و این در حالی است که اقلیت غیر یهودی نیز در این کشور زندگی می کنند و همه ساکنان آن یهودی نیستند. در ابتدای دوران وی پیگیری روند صلح به حاشیه رفت و روابط با اسرائیل اولویت یافت. البته اسرائیل این حمایت مرکل را بی پاسخ نگذاشت. وی اجازه یافت که برای اولین بار به عنوان صدر اعظم آلمان به سخنرانی در کنست پردازد. مرکل در این سخنرانی عباراتی را در توصیف روابط دو کشور برزبان راند که پیش از آن و توسط سیاستمداران دیگر کمتر به این صراحت بیان شده اند:

«هولوکاست باعث خجالت و شرمندگی آلمانی هاست. من در برابر قربانیان آن تعظیم می کنم. من در برابر بازماندگان هولوکاست و کسانی که به آنها کمک کردند تا زنده بمانند تعظیم می کنم... فقط زمانی که آلمان مسئولیت و تعهد همیشه ماندگار در مورد فاجعه انسانی روی داده در تاریخ معاصر را بشناسد و درک کند می توان آینده ای با ارزشهای بشری ساخت. به عبارت دیگر: انسانیت از مسئولیت در برابر گذشته ریشه می گیرد و ساخته می شود..... این تعهد تاریخی (در برابر اسرائیل) یک بخش از مصلحت دولت آلمان است به این معنی که امنیت اسرائیل برای من به عنوان صدر اعظم آلمان هیچگاه قابل گفتگو نیست»

در پی همین دیدار و ملاقات با ایهود اولمرت بود که وی صحبت از گشایش فصل نوینی در روابط دو کشور کرد. بر مبنای این توافق دولتهای آلمان و اسرائیل یک بار در سال نشست های مشترک مشورتی برگزار می کنند. اهمیت چنین توافقی به این دلیل است که آلمان فقط با کشورهای معدودی (فرانسه، ایتالیا، لهستان، روسیه و اسپانیا) چنین نشست هائی را برگزار می کند. (Beck, Fuertig, Mattes, 2008: 3). توافق و برگزاری چنین نشستهای نشانی دیگر از وجود همکاری های استراتژیک میان این دو دولت است.

در جریان جنگ غزه در سال ۲۰۰۸/۲۰۰۹ میان حماس و اسرائیل وی به جانبداری از اسرائیل پرداخت و حماس را برای شروع جنگ مسئول دانست. مرکل به ویژه در دوران نخست وزیری ایهود اولمرت روابط کاری نزدیکی با وی برقرار کرد و همکاری های دو کشور در زمینه های سیاسی - نظامی، علمی، آموزش دیپلماتها و پژوهش در زمینه امنیت شهری توسعه یافت. (Asseburg, 2011: 703)

هنگامی که اتحادیه اروپا در پی جنگ غزه و همچنین سیاست نامعلوم بنیامین نتانیاهو در باب پذیرش اصل دو دولت، توافق اصولی را که با دولت اسرائیل در سال ۲۰۰۸ برای تعمیق روابط منعقد کرده بود موقتاً معلق ساخت، دولت آلمان با این رفتار اتحادیه اروپا همراهی کرد و تلاش نمود در میان دو گروه کشورها در اتحادیه اروپا که گروهی طرفداران اسرائیل و گروه دیگر طرفداران فلسطین و به عبارتی اعراب بودند میانجیگری کرده و نقش واسط را ایفا کند.^{iv} بر همین اساس مرکل به بهبود رابطه خود با برخی سران کشورهای عربی مانند رئیس جمهور سابق مصر حسنی مبارک و نخست وزیر وقت لبنان فواد سینیوره و همچنین محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطینی پرداخت. وی همچنین به انتقاد از سیاست شهرک سازی در سرزمین های فلسطینی که در

زمان نتایهاو تشدید شده بود پرداخت. از اقدامات دیگر آلمان می‌توان به رای ممتنع آن کشور در سازمان ملل در قضیه رای گیری در باب فلسطین به عنوان کشور ناظر غیر عضو اشاره کرد که با ناخرسندی اسرائیل مواجه شد.

به طور کلی در دو دوره صدراعظمی مرکل از سال ۲۰۰۵ تاکنون چه در حکومت ائتلافی نخست ۲۰۰۹-۲۰۰۵ (اتحادیه دمکرات و سوسیال مسیحی (CDU, CSU) با حزب سوسیال دمکرات (SPD)) و چه حکومت ائتلافی دوم ۲۰۱۳-۲۰۰۹ میان اتحادیه دمکرات و سوسیال مسیحی با حزب دمکرات های آزاد (FDP)؛ سیاست خارجی مرکل از نوعی ثبات در مسئله اعراب و اسرائیل برخوردار بوده است. با وجود این، اگر چه آلمان از روند صلح و از تشکیل یک دولت فلسطینی حمایت می‌کند و یا سیاست اسرائیل در گسترش شهرک سازی را مورد انتقاد قرار می‌دهد اما در استراتژی حمایت از اسرائیل تغییری حاصل نشده است.

۳- منافع مشترک استراتژیک آلمان و اسرائیل

۳-۱ منافع آلمان در منطقه خاورمیانه

همان طور که گفته شد آلمان به جهت حس تعهد و مسئولیت در قبال اعمال انجام گرفته توسط رژیم ناسیونال سوسیالیست خود را برای امنیت و حفظ موجودیت اسرائیل متعهد می‌داند. اما علاوه براین آلمان برای خود در منطقه خاورمیانه منافع تعریف و مشخص می‌کند که نیل به آنها از وظایف دستگاه سیاست خارجی این کشور دانسته می‌شود. می‌توان گفت سه منفعت به هم پیوسته وجود دارد که سیاست آلمان را نه فقط در روابطش با اسرائیل بلکه نسبت به کل منطقه و نزاع اعراب و اسرائیل تعیین می‌کند: نخست تحت تاثیر مسئولیت تاریخی آلمان، ضرورت تضمین امنیت و موجودیت اسرائیل. دوم لزوم

دفع خطرات امنیتی برای آلمان که از منطقه برمی خیزند مانند تروریسم، مهاجرت غیرقانونی و جرایم سازمان یافته. سوم لزوم روابط حسنه با کشورهای غنی نفتی منطقه از جمله ایران برای افزایش تضمین دسترسی آلمان به منابع انرژی، علیرغم اینکه این کشور مقدار کمی از نیازهای انرژی خود را از منطقه خاورمیانه تامین می کند. رویکرد سیاست آلمان و حتی اروپا برای تضمین این منافع آن است که این اهداف با وجود جوی آرام در منطقه یعنی میان اسرائیل و همسایگانش قابل وصول است. در این راستا نزاع اسرائیل و فلسطین به عنوان نزاع اصلی به حساب می آید که نقش مهم و حیاتی برای رسیدن منطقه به آرامش دارد. هم آلمان و هم اتحادیه اروپا بر این نظرند که راه حل این نزاع به وسیله تشکیل دو دولت قابل وصول است. (Asseburg, 2011: 693)

علاوه بر دولت، نمایندگان مجلس فدرال (بوندستاگ)^۱ نیز که متشکل از احزابی با رویکردهای متفاوت از حکومت در سیاست داخلی و خارجی هستند در این نکته همدستانند که موجودیت و امنیت اسرائیل باید تضمین شود و روابط با آن کشور گسترش یابد. در همین راستا از سال ۱۹۶۰ به بعد جمهوری فدرال آلمان روابط خود با اسرائیل را به طور مداوم گسترش داده است. همچنین آلمان خود را به عنوان کارگزار منافع اسرائیل در اتحادیه اروپا شناسانده به طوری که منافع این کشور را در چارچوب اتحادیه اروپا نمایندگی می کند. بر این اساس آلمان در پی ارتباط هرچه نزدیکتر میان اروپا و اسرائیل است و حتی در مواقعی که اتحادیه اروپا توافقات با اسرائیل را به دلائلی معلق می سازد آلمان در پی میانجیگری برمی آید. با این حال در سابقه سیاست این کشور تلاش برای ممانعت از وضع تحریم اتحادیه اروپا علیه اسرائیل از جمله به دلیل سیاست توسعه شهرک

1 Bundestag

سازی وجود دارد. در این راستا حتی بدون چون و چرا ملاحظات امنیتی اسرائیل مد نظر سیاستمداران آلمانی است. ملاحظاتی که حتی در تناقض با اصول اعلام شده رسمی سیاست بین الملل (از جمله در حوزه حقوق بین الملل) است. (Asseburg, 2009: 26)

۲-۳ روابط فرهنگی دو کشور

روابط آلمان و اسرائیل فقط دارای ابعاد سیاسی و دیپلماتیک نیست بلکه ابعاد فرهنگی، علمی و تکنولوژیک نیز دارد به گونه ای که آلمان نزدیکترین روابط دوجانبه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و علمی در منطقه خاورمیانه را فقط با اسرائیل دارد.^۷ آلمان امروزه برای بسیاری از کارشناسان سیاسی، علمی، اقتصادی و تکنولوژیک اسرائیلی به عنوان دومین همکار و شریک مهم جهانی بعد از امریکا به حساب می آید. روابط علمی و تکنولوژیک میان دو کشور بسیار نزدیک و گسترده است. شبکه روابط دوجانبه میان محققان دو طرف توسعه زیادی یافته است. بنابر توافقی که میان وزیر خارجه آلمان و وزیر آموزش اسرائیل در یکم فوریه ۲۰۱۲ منعقد شد مبلغ ۱۰ میلیون یورو از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱ به مرکز رسمی و فرهنگی اسرائیل به نام «یادواشم»^۱ پرداخت خواهد شد.

(Auswaertigamt, 2014)

هر ساله مبلغ ۳۰ میلیون یورو از منابع بودجه عمومی و منابع مالی بنیادهای آلمان صرف همکاریهای علمی مشترک با اسرائیل می شود. همکاری در این حوزه از دهه ۱۹۵۰ میلادی شروع شده و برآوردی کامل و جامع از همکاریهای موسسات علمی دو طرف مانند اعطای بورس های تحقیقاتی و پروژه های مشترک پژوهشی به دلیل گستردگی فراوان آن بسیار سخت است واز مثلا

۱ مرکز اسناد و مدارک برای یادبود قربانیان هولوکاست. Yad Vashem

تحقیقات علوم طبیعی و تجربی موسسه ماکس پلانک و موسسه اسرائیلی «وایزمن»^۱ تا برنامه هائی برای کسب مهارت های شغلی و حتی مثلا تهیه و تدوین مواد درسی مشترک برای آموزش اصناف تولید کننده اتومبیل های سنگین را در بر می گیرد. همچنین از سال ۲۰۰۹ وزارت خارجه آلمان از کودکان و نوجوانان اسرائیلی که در نزدیکی منطقه نوار غزه زندگی می کنند و بر اثر حملات موشکی فلسطینیان دچار آسیب های روانی شده اند حمایت مالی می کند. به عنوان نمونه نهادی وجود دارد با نام «مرکز حمایت از قربانیان آسیب های روانی ناشی از جنگ و تروریسم»^۲ که دولت آلمان هر ساله بالغ بر ۲۵۰۰۰۰ یورو به آن کمک می کند. (Engelbrecht, 2012: 3)

نزدیکی آلمان و اسرائیل همچنین از اعطای جوایز و عنوان های علمی قابل رویت است. در سال ۲۰۱۱ وزیر آموزش اسرائیل جایزه «ولفپرایز»^۳ را به یازده محقق حوزه های فیزیک، شیمی، کشاورزی، پزشکی و هنر اعطا کرد که چهارتن از آنها آلمانی بودند. در همین سال دانشگاه عبری اورشلیم، ده دکترای افتخاری اعطا کرد که از آن میان به چهار آلمانی تعلق گرفت که وزیر سابق آموزش و تحقیقات عالی آلمان خانم آنته شوآن^۴ نیز از آن جمله بود.

نکته جالب توجه آن است که با وجود کمک های مالی فراوانی که آلمان در زمینه امور فرهنگی به اسرائیل پرداخت می کند اما هنوز هیچ مدرسه آلمانی در اسرائیل اجازه فعالیت نیافته است و صرفا زبان آلمانی در هشت مدرسه به عنوان بخشی از آموزش زبان خارجی تعلیم داده می شود. (Auswaertigamt, 2014)

این امر خود گواه برآن است که مسائل و مشکلات روانی و ذهنی ناشی از گذشته

1 Weizmann

2 "Traumazentrum fuer Opfer von Krieg und Terrorismus"

3 Wolfpreis

4 Annette Schavan

تاریخی بویژه در میان یهودیان اسرائیل در باب ارتباط با آلمان کم نیست.^۱ از اینرو مسولان فرهنگی دو طرف دیدارهای متقابل مردم از دو کشور را راهی برای زدودن این ذهنیات می‌دانند. مثلاً دیدار جوانان اسرائیلی و آلمانی از هر دو کشور از جمله برنامه‌های مورد تاکید است.

۳-۳ همکاری‌های اقتصادی

آلمان برای اسرائیل سومین شریک مهم تجاری بعد از آمریکا و چین است. شرکت‌های بزرگ آلمانی مانند ساپ؛^۲ هنکل^۳ و دایملر^۴ از سالها پیش شعبات کارخانه‌های تولیدی خود را در اسرائیل مستقر کرده‌اند و تاکنون بیش از یکصد میلیون یورو در اسرائیل سرمایه‌گذاری کرده‌اند. بیش از ۶۰۰۰۰ شرکت آلمانی با شرکای اسرائیلی شان ارتباط تجاری دارند. از جمله موارد صادراتی اسرائیل به آلمان تکنیک‌های پیشرفته و صرفه‌جویانه مربوط به افزارهای آبیاری بهینه است. (Gat, 2013: 8) حجم معاملات اقتصادی دو کشور رشدی مداوم داشته است. در حالی که حجم یاد شده در سال ۱۹۶۰ فقط ۹۳ میلیون دلار بود در سال ۲۰۰۳ به ۳/۸ میلیارد دلار بالغ شد. در سالهای اخیر روابط اقتصادی همواره رو به گسترش بوده است. گزارش وزارت اقتصاد آلمان از میزان و حجم معاملات دو کشور گواه بر این است. (Wirtschaftsdaten kompakt: Israel, 2013: 4)

آلمان و اسرائیل همچنین طرح‌ها و پروژه‌های مشترک برای به اصطلاح کمک به کشورهای توسعه نیافته به ویژه در آفریقا دارند. دو کشور در چارچوب «پروژه آلمانی اسرائیلی آفریقا»^۵ در کشورهای ایتوپی، غنا،

1 ISAP

2 Siemens

3 Henkel

4 Daimler

5 German Israeli Africa Initiative Projekt

بورکینافاسو، کامرون، بوروندی و دریاچه ویکتوریا همکاری کرده اند و همچنین طرحهای مشترکی برای گسترش همکاری هایشان در سایر نقاط مانند روندا، آسیای مرکزی و سودان جنوبی دارند. (Gal, 2013: 7)

(ارقام به میلیارد یورو)

	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
واردات آلمان از اسرائیل				
صادرات آلمان به اسرائیل	۱,۷	۱,۹	۱,۶	۱,۶
	۲,۹	۳,۴	۳,۷	۳,۶

۳-۴ همکاری های نظامی

همکاری های نظامی یکی از گسترده ترین و در عین حال مخفی ترین جوانب روابط آلمان و اسرائیل است. پیشینه این همکاری ها به سالهای نخستین پس از جنگ جهانی دوم می رسد. زمانی که یهودیان صرفا جماعتی در کشور فلسطین تحت قیمومت انگلستان بودند خرید تسلیحات آلمانی را شروع کردند. ارتش مخفی یهودیان یعنی هاگانا^۱ از سال ۱۹۴۷ سلاح های آلمانی می خرید و با آلمانی ها در باب خرید سلاح مذاکره می کرد. از آنجا که یهودیان در مقابل ارتش های مسلح و مجهز کشورهای عربی قرار داشتند، تجهیز آنها به سلاح های جدید بمثابة مبارزه برای زنده ماندن تلقی می شد. تجهیزاتی مانند هواپیما های ساخت

1 Haganah

شرکت مسراشمیت^۱، تفنگ ها و مسلسل های ماوزر و دیگر تسلیحات از سایر شرکت های آلمانی. (Yeshayahu, 2004: 402)

پس از تأسیس دولت صهیونیستی (۱۹۴۸) هیأت های موقت از این کشور برای مذاکره و خرید تسلیحات به آلمان مسافرت می کرد اما از سال ۱۹۵۳ وزارت دفاع اسرائیل هیأتی دائمی برای انجام مذاکرات و معاملات تسلیحاتی در شهر کلن مستقر کرد. در همین سال بود که واحدهای نظامی متفقین مستقر در آلمان پیشنهادهایی را برای خرید تسلیحات اسرائیلی به این هیأت ارائه کردند. در سال ۱۹۵۵ افسری ارشد به نام آویگدار تال^۲ در راس هیأت اسرائیلی در کلن مستقر شد که از جمله وظایف آن سفارش تسلیحات و همچنین برقراری ارتباط با مسئولان وزارت دفاع آلمان و نیز سیاستمداران در بخش آلمان غربی بود. (Yeshayahu, 2004: 402)

دو کشور این روابط را پنهان نگاه می داشتند و از آشکار ساختن آن اکراه داشتند زیرا در اختفا نگه داشتن همکاری های نظامی هم برای اسرائیل و هم برای آلمان مزایای بسیاری داشت: یهودیان ساکن فلسطین که توسط هزاران فلسطینی و همچنین دولت های عرب محاصره شده بودند، امنیت خود را در مخفی نگه داشتن این روابط می دیدند علاوه براین اسرائیل از واکنش منفی افکار عمومی خود از ارتباط با کشوری که مسئول انجام «هولوکاست» خوانده می شد هراسناک بود و نمی توانست این همکاری ها را توجیه کند. آلمان نیز نگران واکنش کشورهای عربی از وجود همکاری ها و مناسبات تسلیحاتی اش با اسرائیل بود ضمن اینکه تمایلی به بحث عمومی در داخل آلمان در باره مسئولیت اعمال انجام گرفته در جریان جنگ در مورد یهودیان نداشت. همچنین پرهیز از برانگیختن

1 Messerschmitt

2 Avigdor Tal

انتقادات در باره تجهیز دوباره ارتش؛ دلیل دیگری برای مخفی ساختن همکاری ها بود.

هر دو کشور اما از داشتن این همکاری ها سود می بردند. اسرائیل به تجهیز خود در برابر ارتش های مجهز کشورهای عربی می پرداخت و آلمان به نوسازی نیروها و صنایع نظامی خود اقدام می کرد. همچنین این کشور از همکاری اطلاعاتی اسرائیل در مورد تسلیحات ساخت شوروی استفاده می کرد، چرا که در زمان جنگ سرد هر دو کشور خود را مورد تهدید این سلاحها می دیدند. به همین دلیل در سال ۱۹۶۷ قرارداد مشترکی میان دو کشور در مورد تبادل اطلاعات در باب وسائل و تجهیزات فنی نظامی بیگانه منعقد شد. در بیشتر صادرات تسلیحات به اسرائیل این آلمان بود که هزینه آنها را می پرداخت.^{vi}

(Nassauer, Steinmetz, 2004: 7)

از لوازم اختفا همکاری های نظامی انجام این معاملات از طریق سازمان های اطلاعات خارجی هر دو طرف یعنی در آلمان «سرویس اطلاعات فدرال» (ب.ان.د)^۱ و در اسرائیل موساد بوده است. طرف آلمانی از جمله برای پنهان ساختن نام خود لوگوی محصولات نظامی صادراتی به اسرائیل را از روی قطعات برمی دارد.

«شرکت آ.ا.گ»^۲ که از جمله سازنده قطعاتی با کاربرد نظامی است پیش از صدور این کالاها به مقصد اسرائیل لوگوی این شرکت را از روی قطعات صادراتی برمی دارد. یکی از این قطعات سخت افزاری به نام LTDS است که در تانک های (لئوپارد ۲)^۳ ساخت آلمان به کار می رود و بمنظور نشانه گیری دقیق هدف به کار گرفته می شود. تانک های مجهز به این قطعه می توانند حتی هنگام

1 Bundesnachrichtendienst معمولاً بصورت مخفف ادا می شود:

2 AEG

3 Leopard

حرکت در مسیری ناهموار یا در مکان بلند هدف خود را به طور بسیار دقیق نشانه روند. اسرائیل این قطعات را نمونه سازی می کند و در تانک های خود به نام (مرکاوا ۳)^۱ به کار می گیرد.» (Nassauer, (A): 2012)

جنگ تابستان سال ۲۰۰۶ میان اسرائیل و لبنان صحنه دیگری بود که در آن آشکار شد برخی از تسلیحاتی را که اسرائیل به کار گرفت با استفاده از تکنولوژی آلمان ساخته شده بود. از جمله ناوچه (ساعر ۵)^۲ اسرائیل که در خلال محاصره دریائی جنوب لبنان مورد اصابت موشک حزب الله قرار گرفت دارای موتوری ساخت کارخانه^{viii} (MTU) بود. موتورهای این کارخانه همچنین در قایق های تندروی اسرائیلی و نیز ناوچه ساعر ۴،۵، قایق های تندرو گشت زنی به نام (سوپر دورا. ام. کی. ۲)^۳ و (شالداگ)^۴ به کار گرفته شده اند.

آلمان و اسرائیل از سالها پیش همکاریهای در زمینه سیستم های الکترونیک و به کارگیری دوربین های الکترونیک در هواپیماهای جنگی شروع کرده اند. شرکت زایس^۵ با اسرائیل در ساخت و فروش تجهیزات اپتیکی از جمله تجهیزات شناسائی و اصابت هدف برای هواپیمای رافائل همکاری می کند. پروژه مشترک دیگر که وجود دارد مربوط می شود به خودروی نظامی نوع (دینگو ۲)^۶. این خودرو بویژه برای استفاده در جنگ با گروه های چریکی شهری و سرکوب ناآرامی ها موثر است. با وجودی که اسرائیل از صنایع نظامی خوبی در تولید اسلحه های کوچک برخوردار است با این حال گاهی اوقات این سلاح ها از آلمان به آن کشور صادر می شود. شرکت ماوزر^۷ در دهه ۸۰ میلادی اسلحه های

1 Merkava

2 Saar

3 Super Dvora MKII

4 Shaldag

5 Zeiss Optronic GmbH

6 Dingo-2

7 Mauser

تک تیرانداز^۱ صادر می کرد. به عنوان جانشین بعداً شرکت هکلر و کوخ^۲ سلاح^۳ PSG1 را صادر می کند. همچنین دانش فنی برای تولید اسلحه های ضد تانک آلمانی به اسرائیل تحویل داده شد. (Nassauer, (A) 2012)

مخفی کاری سرویس های اطلاعاتی دوطرف همیشه موفقیت آمیز نبوده است. معروفترین مواردی که آشکار شد و برای دولت وقت آلمان رسوائی ببار آورد یکی ماجرای معامله «سربروس»^۴ در اوائل دهه ۹۰ و دیگری رسوائی افشای صدور تسلیحات مربوط به ارتش ملی مردمی آلمان شرقی سابق^۵ به اسرائیل از بندر هامبورگ در سال ۹۲-۱۹۹۱ بود. در رسوائی نخست افشا شد که دولت آلمان از سال ۱۹۷۲ تحت تدابیر فوق سری، هزینه های پژوهش و ساخت تکنولوژی تولید پارازیت برای هواپیمای تورنادوی اسرائیلی را می پرداخت. کل هزینه بالغ بر حدود ۲/۲ میلیارد مارک می شده است. شرکت اسرائیلی التا^۶ می بایست نیمی از این مبلغ را دریافت کرده باشد. وزارت دفاع آلمان برای انجام این عملیات قرارداد ویژه ای با سرویس اطلاعات فدرال این کشور منعقد کرد. پنهانکاری دولت آلمان به حدی بود که این قرارداد بدون اطلاع بوندستاگ منعقد و اجرا می شد. (Nassauer, Steinmetz, 2004: 8)

رسوائی دوم در اکتبر سال ۱۹۹۱ آشکار شد: پلیس امنیت دریا مستقر در بندر هامبورگ محموله ای را کشف و توقیف کرد که تحت عنوان وسایل کشاورزی و جنگلداری، تجهیزات نظامی ارتش آلمان شرقی سابق را به مقصد اسرائیل حمل می کرد. این عملیات نیز بوسیله موساد و (ب ان د) انجام می شد.

1 Scharfschützengewehre

2 Firma Heckler & Koch

3 تفنگ تک تیرانداز دقیق (Präzisionsschützengewehr)

4 Cerberus

5 Nationalen Volksarmee (NVA)

6 Elta

تحقیقات نشان دادند که پیش از این ۱۲ مورد از همین گونه نقل و انتقال ها انجام گرفته است. تمامی اینها بدون اجازه «شورای امنیت فدرال»^۱ انجام گرفته است. همچنین در سال ۲۰۰۲ در شرایطی که بحران در سرزمین های اشغالی بالا گرفته بود، رسانه های آلمان از ارسال تسلیحات به اسرائیل خبر دادند. بر مبنای این گزارش ها می بایست ۱۲۰ محموله صادراتی به اسرائیل انجام گرفته باشد که از جمله شامل قطعات و لوازم مربوط به تانک مرکاوا ۴ می شد. Steinmetz, (Nassauer 2004: 9)

یکی از جوانب پر سرو صدای همکاری نظامی اسرائیل و آلمان در زمینه فروش تجهیزات نیروی دریائی است. ارتش اسرائیل زیر دریائی هائی را به خدمت می گیرد که در آلمان ساخته شده اند. در ابتدا سه زیردریائی به نام (کلاس گال)^۲ که مخفیانه در انگلستان اما مطابق طراحی مهندسان آلمانی و با کمک آنان ساخته شدند. نسل بعدی آنها زیردریائی دیزلی به نام (کلاس دلفین)^۳ بود. این زیردریائی ها در دهه ۸۰ میلادی با مشارکت سه گروه مهندسی بزرگ آلمانی به نام های : دفتر مهندسی لووبک^۴، کشتی سازی شهر کیل^۵ و اطلس الکترونیک برمن^۶ (دو شرکت اخیر جز کمپانی تیسون)^۷ مطابق خواست اسرائیل ساخته شد. تحویل آنها بین سالهای ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ انجام شد و اسرائیل پس از تحویل آنها تغییراتی را در آنها به عمل آورد. اما از آنجا که اسرائیل خود از پس تأمین هزینه های این زیر دریائی ها برنمی آمد دولت آلمان بیش از ۸۰ درصد هزینه (۸۸۰ میلیون مارک) آنها را متحمل شد. تقبل چنین هزینه ای از سوی

1 Bundessicherheitsrats

2 Gal_Klasse

3 Dolphin-Klasse

4 Ingenieurkontor Lübeck(IKL)

5 Howaldtswerke-Deutsche Werft GmbH(HDW) in Kiel

6 Atlas Elektronik in Bremen

7 ThyssenKrupp

آلمان برای این کشور جنبه مجازات نیز داشته است زیرا موشک هائی که صدام حسین در جنگ سال ۱۹۹۱ به اسرائیل پرتاب کرد محصول تکنولوژی ساخت آلمانی بود! زیردریائی های دلفین مجهز به تجهیزات ویژه هستند: در این زیردریائی اژدر افکن هایی با اندازه متفاوت ساخته شده اند. شش سامانه معمولی کالیبر ۵۳۳mm، و چهار سامانه بزرگ در اندازه ۶۵۰mm. به وسیله سامانه های معمولی زیردریائی می تواند تمام مأموریت های متعارف را انجام دهد. سامانه های بزرگ به نظر کارشناسان، بالقوه برای مصارف اتمی بود هر چند که این مسأله همواره مکتوم نگه داشته می شد. این محصول به واسطه آمریکا تحویل اسرائیل شد تا به این وسیله کمک های نظامی آمریکا نیز مورد استفاده قرار گیرد. اسرائیل از آنها در مأموریت های اکتشافی و در صورت لزوم جنگی در منطقه دریای مدیترانه و خلیج فارس استفاده می کند. آنها می توانند نیروی رزمی دریائی را به مأموریت اعزام کنند و علیه اهدافی در دریا و زمین موشک پرتاب شوند. (Nassauer, (A) 2012)

دولت آلمان تاکنون قرارداد ساخت شش فروند از زیردریائی اتمی مدل دلفین با اسرائیل امضا کرده است که تاکنون سه فروند آنها به اسرائیل منتقل شده اند و چهارمین فروند نیز در سال ۲۰۱۳ تحویل مقامات رسمی اسرائیلی در بندر هامبورگ شد (Deutsche Welle, 2014). دو فروند دیگر قرار است تا ۲۰۱۷ تحویل اسرائیل شود. همچنین اسرائیل علاقه دارد که سه فروند دیگر نیز سفارش دهد. دولت آلمان تاکنون مبلغ ۱۳۵ میلیون یورو از هزینه های این زیردریائی ها را پرداخت کرده است؛ علاوه بر این متعهد شده تا سهم اسرائیل را تا سال ۲۰۱۵ به عهده گیرد. بنابر تحقیقات اشپیگل این زیردریائی ها اکنون عملاً به تسلیحات اتمی مجهز شده اند. دو تن از کارکنان وزارت دفاع آلمان در گفتگو با این نشریه

خاطر نشان ساخته اند که آنها از سالها پیش در باب تجهیز زیردریائی ها به سلاح های اتمی مطلع بوده اند و در این باب با همکاران اسرائیلی خود مذاکراتی داشته اند. بنا بر اطلاعات این نشریه اولین سندی که در مورد گفتگو در باب تجهیز اسرائیل به سلاح های اتمی در وزارت خارجه آلمان موجود است مربوط به سال ۱۹۷۷ و مذاکره هلموت اشمیت صدر اعظم وقت آلمان و موشه دایان وزیر خارجه وقت اسرائیل می شود (Spiegel, (B)2012)

افشاگری اخیر اشیپگل مقامات دولت آلمان را به واکنش واداشت چرا که اصولاً روابط نظامی آلمان و اسرائیل در رسانه های آلمانی با حساسیت دنبال می شود. سخنگوی دولت آلمان در این باره اظهار داشت که :

«دولت فدرال در مسأله ارسال تسلیحات به اسرائیل به تداوم سیاست دولتهای پیشین ادامه می دهد. زیردریائی ها بدون تسلیحات (اتمی) ارسال شده اند و دولت فدرال در گمانه زنی ها در باب تجهیز پسین آنها شرکت نمی کند.» سخنگوی وزارت خارجه آلمان نیز اظهار داشت:

«از مبانی و پایه های سیاست آلمان در خاورمیانه، حق برخورداری

اسرائیل از امنیت است» (Spiegel, (C) 2012)

وزیر دفاع آلمان صریحاً از فروش زیردریائی ها حمایت کرد و آن را در راستای تداوم سیاست دولتهای پیشین می داند و می گوید کشورش زیردریائی ها را بدون تسلیحات (اتمی) ارسال کرده و در مسلح کردن آنها اسرائیل را مسئول می داند. وی مسلح بودن اسرائیل به تسلیحات اتمی را قابل فهم می داند و متذکر می شود که امنیت کشور آلمان در دوران جنگ سرد برای دهه ها مبتنی بر بازدارندگی اتمی بوده که کشورهای دیگر (آمریکا) برای آلمان تامین می کرده اند و چنین سیاستی توانست برای چهل سال امنیت آلمان را حفظ کند. اگر این

دکترین امنیتی موفقیت آمیز است، نمی توان دیگران (اسرائیل) را از به کار گیری آن بازداشت. (Tagesschau, 2012)

از ویژگی های نوع جدید زیردریائی های دلفین نوع سوخت آنهاست. انواع قدیمی این زیردریائی مجهز به موتور های دیزلی بودند اما نوع جدید آن از پیل سوختی استفاده می کند. از اینرو آنها می توانند هفته ها بدون وابستگی به بیرون در زیر دریا حرکت کنند. همچنین این زیر دریائی ها مجهز به سیستم جدید پرتاب هیدرولیک هستند. که برای اولین بار در زیردریائی های دلفین نصب شده اند. به نظر می آید که صدور تسلیحات برای کمپانی های اسلحه سازی در این زمان که بحران مالی گریبانگیر دولتها و شرکت ها شده است، تنها وسیله ممکن برای توسعه محصولاتشان و فروش آنها باشد:

«دولت آلمان برای جبران کاهش منابع درآمدی بدلیل افت تقاضا برای کالاهای تولید داخل، نیازمند گرفتن سفارش های خارجی برای ساخت تسلیحات است تا وضعیت کنونی کمپانی های سازنده اسلحه را حفظ کند و این امر در واقع به قیمت نادیده گرفتن اصول اخلاق انسانی تمام می شود.» (Eckert, 2012) البته دولت مرکل تحویل زیردریائی ها را منوط به انجام اموری از سوی اسرائیل کرده است از جمله اینکه اسرائیل می بایست سیاست گسترش شهرک سازی را متوقف کند و نیز اتمام و تکمیل یک تصفیه خانه آب در نوار غزه را که با پول دولت آلمان انجام می شود اجازه دهد. اما هیچکدام از این درخواستها تاکنون از سوی مقامات اسرائیل پذیرفته نشده است. (Spiegel, (D) 2012)

نباید نادیده گرفت که دولت آلمان صرفا صادر کننده تجهیزات نظامی به اسرائیل نیست بلکه از خدمات ارتش اسرائیل نیز در مأموریت های برون مرزی استفاده می کند. از مواردی که ارتش آلمان از خدمات نظامی اسرائیل استفاده می

کند آموزش به کارگیری هواپیما های بدون سرنشین است. نظامیان اسرائیل، همکاران آلمانی را در چگونگی کاربرد پهباد های اطلاعاتی رادارگریز با نام (هرون)^۱ آموزش می دهند. بنا بر اطلاعات ارتش آلمان این هواپیما ها برای عملیات اطلاعاتی، جاسوسی، نظارت دقیق بر مناطق عملیاتی و حمایت از واحدهای نظامی در افغانستان بسیار مهم هستند. ارتش آلمان می خواهد که از این هواپیما تا پایان سال ۲۰۱۴ استفاده کند. وزیر دفاع آلمان در پایان دیدارش با نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در جولای ۲۰۱۱ اظهار داشت:

«من به این مسأله اشاره کردم که ما به چه نحو موفقیت آمیزی «هرون» را در افغانستان به کار گرفتیم. ما خود سیستم دفاع موشکی (پاتریوت)^۲ را در اختیار اسرائیل قرار دادیم. زمینه های همکاری نظامی زیادی میان دو کشور وجود دارد. در این سال برای نخستین بار سربازان اسرائیلی و آلمانی تمرینات مشترک خواهند داشت. روابط دو جانبه ای که ما داریم بسیار نزدیک است، به طور سنتی بسیار نزدیک، به طوری که تمام جوانب و موضوعات را دربر می گیرد: استراتژیکی، تاکتیکی، تجهیز و مبادله افسران و نیروهای نظامی» (Engelbrecht, 2012: 3)

دولت آلمان قصد دارد که کمک های تسلیحاتی به اسرائیل را همچنان در سالهای آینده ادامه دهد. در پیش نویس بودجه سال ۲۰۱۲ مبلغ ۱۳۵ میلیون یورو برای کمک به اسرائیل در خرید های تسلیحاتی اش از آلمان در طی چهار سال آینده در نظر گرفته شد. در این راستا قرار است زیردریائی دیگری از نوع دلفین ۲ به اسرائیل تحویل شود. یک چنین زیردریائی حدود ۵۰۰ میلیون یورو قیمت دارد. (Nassauer (B) 2012) گستره همکاری های نظامی آلمان با اسرائیل به

1 Heron

2 Patriot

گونه ای است که این کشور در خارج از چارچوب ناتو وسیعترین همکاری ها را فقط با اسرائیل دارد. (Dressler, 2005: 29-30)

روابط گسترده تسلیحاتی آلمان و اسرائیل به عقیده کارشناسان حقوقی هم در تعارض با قوانین داخلی خود آلمان و نیز قوانین و مقررات اتحادیه اروپا در مورد شرایط فروش تسلیحات است. «انجمن بین المللی حقوقدانان مخالف سلاح های هسته ای»^۱ با تحلیل و ارزیابی حقوقی تحویل زیردریائی و نفربرهای رزهی به این نتیجه رسید که ارسال این تسلیحات به اسرائیل از سوی آلمان هم در تعارض با قوانین اتحادیه اروپا در باب فروش تسلیحات است و همچنین مغایر با قوانین آلمان در مورد معاملات نظامی است. (Ladaa, 2012). مطابق با قوانین اتحادیه اروپا، فروش تسلیحات می بایست متوقف شود هنگامی که ۱. موجب تداوم نزاع و یا تشدید آن می گردد ۲. خطر واضح و آشکاری وجود داشته باشد که کشور گیرنده تسلیحات آن را برای اهداف ستیزه جویانه علیه دیگران به کار گیرد و یا برای تحمیل خشونت بار ادعای سرزمینی مورد استفاده قرار دهد. همچنین در قوانین آلمان برای صدور تسلیحات پیش بینی شده که نمی توان صدور تسلیحات به کشوری را مجاز شمرد وقتی که ۱. نزاع های مسلحانه در آنجا وجود دارد و یا خطر وقوع درگیرهای مسلحانه در آن کشور می رود. ۲. به کشورهایی که گرفتار وضعیت متشنجی هستند به طوریکه ارسال تسلیحات باعث برانگیختن نزاع مسلحانه و یا تشدید آن شود.

1 „International Association of Lawyers Against Nuclear Arms“

۴- نگرش مردم آلمان به اسرائیل

با وجود روابط گسترده در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی میان دو کشور، نگرش مردم آلمان اما به این روابط و به ویژه آنچه که «تعهد آلمان جدید در قبال اقدامات و اعمال رژیم نازی در مورد یهودیان» گفته می‌شود تغییر جدی بخود دیده و این از آخرین نظرخواهی که در باره نگرش مردم آلمان به روابط با اسرائیل انجام شد قابل فهم است. در نظر خواهی که موسسه نظرخواهی «فورسا»^۱ پیش از سفر یواخیم گاوک رئیس جمهور آلمان به اسرائیل انجام داد (۲۸ تا ۳۱ می ۲۰۱۲) ۵۹ درصد سوال شوندگان، اسرائیل را دولتی خشونت طلب نامیدند. (sueddeutschezeitung 2012) این رقم در سال ۲۰۰۹، ۴۹ درصد بود. از نظر ۵۸ درصد پاسخ دهندگان اسرائیل دولتی بیگانه و غیرمعمول است. ۷۰ درصد معتقدند که اسرائیل بی توجه به منافع سایر ملل فقط منافع خود را تعقیب می کند. در سال ۲۰۰۹، ۴۵ درصد نسبت به این کشور علاقه مند بودند این تعداد در سال ۲۰۱۲ به ۳۶ درصد کاهش یافت. از نظر ۶۰ درصد سوال شوندگان، آلمان کنونی نمی تواند به دلیل اعمال انجام گرفته در زمان رژیم ناسیونال سوسیالیست در قبال اسرائیل تعهد و مسولیت خاصی داشته باشد و دو سوم سوال شوندگان (۶۵ درصد) معتقدند که آلمان می بایست کشور مستقل فلسطینی را به رسمیت بشناسد.

افکار عمومی در آلمان متأثر از سیاست های اسرائیل در مناطق اشغالی، نقض آشکار و روشن قوانین حقوق بین الملل در رفتار با فلسطینیان و خشونت ورزی آن علیه لبنان و نیز ادامه سیاست شهرک سازی در مناطقی که مطابق با قطعنامه های شورای امنیت متعلق به فلسطین است و همچنین تهدید آشکار حمله به

ایران می باشد به گونه ای که نمونه ای از آن را در شعر گوئتر گراس شاعر آلمانی و برنده جایزه نوبل ادبیات به نام «آنچه که باید گفته شود»^{ix} می بینیم.

نتیجه گیری

اعمال انجام گرفته در دوران حکومت رژیم ناسیونال سوسیالیست به عنوان عاملی تاریخی سایه سنگین خود را بر روابط آلمان و اسرائیل گذاشته است. بر همین اساس آلمان از ابتدای دهه پنجاه میلادی تا کنون پیوسته و مستمر خود را متعهد به جبران و ادای غرامت دانسته است. می توان تصور کرد که دریافت این کمکها آنهم در ابتدای شکل گیری اسرائیل، کمک بزرگی در تقویت دولت نو بنیاد یهود بوده است، هرچند که از دید سیاستمداران آلمان پذیرش مسئولیت اعمال رژیم گذشته و سعی در جبران، برای اثبات این است تا نشان دهد آلمان بعد از جنگ به کشوری دمکراتیک تبدیل شده است. بهر روی گذشته تاریخی همچنان نقشی حساس و مهم بر روابط دو کشور بازی می کند. در این تحقیق مشاهده شد که روابط دو کشور در بسیاری از زمینه های اقتصادی؛ علمی - فرهنگی و به ویژه نظامی چنان گسترده و وسیع است که باعث تداوم رابطه ای استراتژیک میان دو کشور شده است. با این حال می توان از تحولاتی در سیاست خاورمیانه ای آلمان یاد کرد که از حمایت مطلق و کامل اسرائیل حکایت نمی کند. به عنوان مثال آلمان راه حل نهائی مشکل فلسطین و اسرائیل را در تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی با رعایت قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل در این مورد می داند. همچنین آلمان سیاست ساخت و توسعه شهرک های یهودی نشین در زمین هایی که بنا به قطعنامه های سازمان ملل متعلق به فلسطینیان است را نادرست می داند و تایید نمی کند. علل این امر را می توان در دو نکته توضیح داد: یکی اینکه نگرش عمومی مردم آلمان نسبت به اسرائیل با بدگمانی و نگاهشان به سیاست

های آن در منطقه خاورمیانه انتقادی است. بنابراین دولت آلمان خود را مجبور می‌بیند که افکار عمومی را مورد ملاحظه قرار دهد. شاید از همین رو رئیس جمهور آلمان که به طور رسمی رئیس کشور و بازتاب دهنده افکار مردم است در سفرش به اسرائیل از سخن گفتن برسبیل آنچه که مرکل در سال ۲۰۰۸ مطرح ساخت حذر کرد. نکته دیگر آن که آلمان می‌بایست سیاست خارجی خود را در هماهنگی با اتحادیه اروپا پیش برد و از تکروری پرهیز کند.

یادداشت‌ها:

ⁱ توافقنامه لوکزامبورگ در زمان صدر اعظمی کنراد آدنائر میان آلمان غربی از یکسو و اسرائیل و کنفرانس شکایات یهود (Jewish Claims Conference) از سوی دیگر برای پرداخت غرامت به یهودیان آسیب دیده در دوران حکومت ناسیونال سوسیالیست هیتلر امضا شد.

ⁱⁱ به عنوان نمونه اختلاف نظر در پارلمان آلمان هنگام بحث در باره مشارکت در ماموریت سازمان ملل در لبنان پس از جنگ تابستان ۲۰۰۶ قابل ذکر است. در آنجا سه دیدگاه کاملاً متفاوت منتج از این مسئولیت تاریخی مطرح شد: ۱- با توجه به تعهد تاریخی، آلمان می‌بایست نیروهای خود را برای حفاظت از اسرائیل اعزام کند. ۲- آلمان نباید به ماموریت سازمان ملل بپیوندد و اقدام به اعزام نیروهای خود کند، زیرا این کشور در این جنگ موضعی بی طرفانه ندارد. ۳- برلین می‌بایست از اعزام نیرو صرفنظر کند، زیرا به طور مسلم هنگام نزاع مسلحانه، نیروهای آلمانی مجبور خواهند شد با نیروهای اسرائیلی درگیر شوند. در نهایت با اعزام بخشی از نیروی دریائی آلمان در چارچوب ماموریت سازمان ملل برای کنترل و ممانعت از ارسال سلاح به حزب الله و دیگر بازیگران غیردولتی در لبنان فرمولی قابل قبول در میان دیدگاه‌های مطرح پیدا شد که گرچه خیلی نافذ نبود اما برای نخستین بار اعزام نیروهای آلمانی به خاورمیانه را ممکن ساخت. برای اطلاع بیشتر شود به (Asseburg, 2009). برای بحث مفصل در باره مسئولیت کنونی آلمان در قبال اعمال دوران حکومت هیتلر رجوع شود به (Krell, 2011)

ⁱⁱⁱ آلمان شرقی سابق خود را مسئول اعمال حکومت ناسیونال سوسیالیست که آن را دولتی فاشیستی می‌خواند به حساب نمی‌آورد. ضمن اینکه استدلال می‌کرد که فقط یهودیان از اعمال آن رژیم آسیب ندیده‌اند بلکه میلیون‌ها انسان غیر یهودی نیز متحمل مصائب آن رژیم شده‌اند. برای آگاهی بیشتر از موضع آلمان شرقی سابق در این مورد رجوع شود به (Wolfsohn. Brechenmacher, 2007)

^{iv} قابل ذکر است که آلمان از ابتدای دهه ۱۹۷۰، سیاست خارجی خود در قبال خاورمیانه را در چارچوب «همکاری سیاسی اروپائی» قرار داد. سیاست این کشور در قبال نزاع اسرائیل - فلسطین نیز در همین چارچوب قرار می‌گیرد.

درحالی که هدایت سیاست خارجی اروپایی در قبال کشورهایمانند لبنان و سوریه عمدتاً به فرانسه واگذار می شود، دولت آلمان مسأله اسرائیل و فلسطین را در مرکز توجه خود قرار می دهد.

^v برای اطلاع از گستره همکاری های علمی، پژوهشی و تکنولوژیک میان آلمان و اسرائیل به آخرین گزارش وزارت آموزش و تحقیقات آلمان در این باره مراجعه شود. متن کامل این گزارش به زبان انگلیسی با این لینک قابل دسترسی است: <http://www.bmbf.de/pub/cooperation_ste_germany-israel.pdf>

^{vi} سفیر سابق آلمان در اسرائیل اعتراف کرد که در میان جوانان اسرائیلی تصویر مطلوبی در باره آلمان وجود ندارد. بسیاری از جوانان اسرائیلی که هرگز در آلمان نبوده اند وقتی از آن کشور می شنوند «آشویتز» و «هیتلر» به ذهنشان خطور می کند. بسیاری از آنان باور ندارند که آلمان جز کشورهای دوست اسرائیل باشد و نفرت از بیگانگان در آلمان را شدیدتر از کشورهای دیگر می داند و حتی معتقدند که در آینده مجدداً یک رژیم ناسیونال سوسیالیست مانند هیتلر در آلمان به قدرت خواهد رسید. (Dressler, 2005: 7)

^{vii} بنا به تخمین کارشناسان ارزش مبادلات نظامی میان دو کشور در دهه های ۵۰ و ۶۰ میلادی بین ۲۵۰ تا ۴۰۰ میلیون مارک می شده است.

^{viii} شرکت کارخانجات MTU (Motoren- und Turbinen- Union Friedrichshafen GmbH) یک شرکت آلمانی است که به عنوان یکی از بزرگترین صنایع موتور سازی جهان سازنده موتورهای کشتی، ژنراتورهای تولید انرژی، ماشین های سنگین و ماشین های جنگی و لوکوموتیو به قدرت ۲۰ تا ۹,۱۰۰ KW (۲۷ تا ۱۲,۲۵۰ Ps) این شرکت در کنار تولید محصولات خود، سازنده موتورهای صنعتی برای مرسدس بنز، VM Motori ایتالیا و توربین های گازی برای جنرال الکتریک است. <<http://www.mtu-online.com/mtu/mtu>>

^{ix} Gunter Gras: "was gesagt werden muss" گراس در این شعر بیان می دارد که اسرائیل بر اساس فرض و گمانی اثبات نشده، ایران را در آستانه دستیابی به بمب اتم معرفی می کند و به نام ممانعت از تهدید صلح جهانی، قصد حمله به این کشور را دارد در حالی که اسرائیل خود به سلاح اتمی مجهز است و با تهدید به حمله عملاً صلح جهانی را به خطر انداخته است. وی همچنین به انتقاد از سیاستمداران غرب از جمله آلمان می پردازد که با تبلیغات اسرائیل همراه شده اند. در حالی که خود به این کشور زیردستانی هایی را فروخته اند که قابلیت حمل سلاح هسته ای را دارند. ترجمه کامل شعر گونتر گراس در لینک زیر قابل دسترسی است. <<http://www.mehrnews.com/detail/News/1570559>>

منابع (کتاب و نشریات)

Asseburg, Muriel. *Der israelisch-arabische Konflikt*, In: Deutsche Nah-, Mittelost- und Nordafrikapolitik, Interessen, Strategien, Handlungsoptionen. Guido Steinberg (Hrsg.), Stiftung Wissenschaft und Politik. Berlin, 2009.

-
- Asseburg, Muriel. Busse, Jan. *Deutschlands Politik gegenüber Israel*, in: Thomas Jäger, Alexander Höse, Kai Oppermann (Hrsg.), *Deutsche Außenpolitik, Sicherheit, Wohlfahrt, Institutionen, Normen*, Wiesbaden. 2011.
- Beck, Martin. Fürtig, Henner. Mattes, Hanspeter, *Herausforderungen deutscher Außenpolitik im Nahen Osten*, GIGA Focus, Nr.6. 2008.
- Belkin, Paul. *Germany's Relations with Israel: Background and Implications for German Middle East Policy*. CRS Report for Congress. Order code RL 33808. 2007.
- Bundesverteidigungsministerium, *Bericht zur Überlassung von Wehrmaterial aus Beständen der ehemaligen NVA an Israel zum Zweck der technischen Auswertung*. Bonn, 2.12.1991,
- Dreßler, Rudlof. *Gesicherte Existenz Israels- Teil der deutschen Staatsräson*, in: *Deutschland und Israel*, Aus Politik und Zeitgeschichte, 15/2005.
- Engelbrecht, Sebastian. *Freundschaft auf starkem moralischem Fundament – Die Verbindung zwischen Israel und Deutschland*, NDR Info – Das Forum – 31.01.2012.
- Gat, Tal. *Israel-Deutschland: Bald 50 Jahre diplomatische Beziehungen*, in: *Zeitschrift für Außen-und Sicherheitspolitik*. V. 6. S. 319-330. 2013
- Krell, Gert: *Frieden für Israel und Palästina*, Deutsche Nahost-Politik im Schatten der „Vergangenheit“, Hessische Stiftung Friedens- und Konfliktforschung, Nr.6/2011.
- Nassauer, Otfried / Steinmetz ,Christopher, *Rüstungskooperation zwischen Deutschland und Israel*, Berliner Informationszentrum für Transatlantische Sicherheit (BITS), Berlin, 2004.
- Wolffsohn, Michael. Brechenmacher, Thomas. *Israel*, in: *Handbuch zur deutschen Außenpolitik*. Siegmund Schmidt · Gunther Hellmann · Reinhard Wolf (Hrsg.) VS Verlag für Sozialwissenschaften | GWV Fachverlage GmbH, Wiesbaden, 2007. S. 506- 520.
- Yeshayahu, A. Jelinek. *Deutschland und Israel 1945-1965 Ein neurotisches Verhältnis*, Institut für Zeitgeschichte Oldenbourg, Wissenschaftsverlag. 2004.

منابع (اینترنتی)

- Auswaertigesamt.(2014) <http://www.auswaertigesamt.de/DE/Aussenpolitik/Laender/Laenderinfos/Israel/Bilateral_node.html#doc341270bodyText6> (دیده شد 02,01, 2014)
- Deutsche Welle <<http://www.dw.de/dw/article/0,,15927231,00.html>> (دیده شد 05.01.2014)
- Dirk, Eckert. Eingespielte Rüstungskoooperation – Deutsche U-Boote für Israel, in: <<http://www.imi-online.de/2011/08/27/eingespielte-ruestun/>> (دیده شد 10,01,2014)
- Gras,Gunter. „was gesagt werden muss“ in: <<http://www.sueddeutsche.de/kultur/gedicht-zum-konflikt-zwischen-israel-und-iran-was-gesagt-werden-muss-1.1325809>> (دیده شد 20,10,2013)
- Lada'a, Munir. Rüstungsexport: Deutsche Waffenlieferungen nach Nahost, S. 5.In:<http://www.ippnw.de/commonFiles/pdfs/Atomwaffen/Druckversion_Ruestungslieferungen.pdf>(دیده شد 03,01, 2014)
- Merkel, Angela. Rede von Bundeskanzlerin Dr. Angela Merkel vor der Knesset am 18. März 2008 in Jerusalem: Bulletin 26-1, In: <<http://www.bundesregierung.de/Content/DE/Bulletin/2008/03/26-1-bk-knesset.html>> (دیده شد 11,01,2014)
- Nassauer, Otfried. (A), Zu Wasser, zu Lande und in der Luft Die deutsch-israelische Rüstungskoooperation, in: <<http://www.friedenskooperative.de/ff/ff06/4-15.htm>> (دیده شد 14,01,2014)
- Nassauer, Otfried. (B), Deutsche Finanzhilfe für U-Boot-Kauf Israels sechster "Delfin" in:< <http://www.bits.de/>> (دیده شد 02,07,2012).
- Spiegel (A) <<http://www.spiegel.de/politik/ausland/deutschland-zahlt-772-millionen-euro-fuer-pflege-von-holocaust-opfern-a-902481.html>> (دیده شد 30,04, 2013)
- Spiegel (B) <<http://m.spiegel.de/politik/ausland/a-836645.html>> (دیده شد 21,06,2012)
- Spiegel (C) <<http://m.spiegel.de/politik/deutschland/a-836715.html>>

(21,06,2012 دیده شد)

Spiegel (D) <<http://m.spiegel.de/politik/ausland/a-836645.html>>

(21,06,2012 دیده شد)

Sueddeutsche Zeitung (2012) <<http://www.sueddeutsche.de/politik/wachsende-kritik-israel-verliert-bei-deutschen-an-ansehen-1.1364748>> .

(03,06,2013 دیده شد)

Tagesschau <<http://www.tagesschau.de/uboothandel100.html>>

(03.07,2012 دیده شد)

Wirtschaftsdaten kompakt, Israel, (2013)

<http://ahk.de/fileadmin/ahk_ahk/GTAl/israel.pdf>

(02.01.2014 دیده شد)